

**ارزیابی میزان تأثیر مهارت های شهروندی بر ارتقای توسعه اجتماعی  
(مورد مطالعه: مناطق ۳، ۷ و ۱۴ تهران)**

سروش فتحی<sup>۱</sup>، مهدی مختارپور<sup>۲</sup>

**چکیده**

فرهنگ و مهارت شهروندی در واقع مفاهیم خاصی است که انسان ها به اعمال، حالت ها و پدیده ها نسبت می دهند و برای آن در زندگی خود جایگاه و اهمیت ویژه ای قائل می شوند، مهارت های شهروندی به انواع مختلف اقتصادی، اجتماعی، اخلاقی، سیاسی، فرهنگی و... تقسیم می شوند. امروزه توجه به مفهوم مهارت شهروندی و روش های ارتقاء آن در جهت بهبود توسعه اجتماعی، به عنوان یکی از اولویت های اساسی طراحان و برنامه ریزان شهری در زیر شاخه حقوق شهروندی تبدیل شده است. تحقیق حاضر یک مطالعه موردی از نوع توصیفی و تحلیلی است. چارچوب نظری تحقیق براساس روش اسنادی و مطالعه سایر مقالات و سایت های علمی مرتبط با موضوع تحقیق از یک طرف و همچنین استفاده از تکنیک پرسشنامه استفاده گردیده و انتخاب افراد حجم نمونه به صورت تصادفی بوده است و تعداد ۳۸۵ پرسشنامه حاوی سوالات مربوط به تحقیق در بین جامعه آماری انتخاب شده توزیع شده و پس از تجزیه و تحلیل آماری با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون و مدل سازی رگرسیون مورد بررسی قرار گرفته است. یافته ها نشان می دهند که بین خودآگاهی، همدلی، قدرت تصمیم گیری، تفکر نقادانه، روابط بین فردی و توسعه اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد. نتایج حاصله از تحلیل رگرسیونی متغیر های موجود در معادله را نشان می دهد که متغیرهای خودآگاهی، روابط بین فردی، تفکر نقادانه، قدرت تصمیم گیری و همدلی بیشترین تأثیر را بر ارتقای توسعه اجتماعی دارند.

**واژگان کلیدی:** مهارت شهروندی، مشارکت اجتماعی، توسعه اجتماعی، شاخص ها، بهداشت و درمان، شهر تهران.

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۵/۱۱/۱۸

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۵/۰۹/۱۰

<sup>۱</sup> گروه علوم اجتماعی، دانشکده علوم انسانی، واحد گرمسار، دانشگاه آزاد اسلامی، گرمسار، ایران (نویسنده مسئول) fathi.soroush@gmail.com

<sup>۲</sup> دکتری جامعه شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران (Email: Mehdi.Mokhtarpour@gamil.com)

## مقدمه

امروزه توجه به مفهوم رفتار شهروندی و روشهای ارتقاء آن، به عنوان یکی از اولویت‌های اساسی طراحان و برنامه‌ریزان شهری تبدیل شده است. جدای از اثرات اجتماعی و فرهنگی ناشی از برنامه ریزی و طراحی محیط‌های شهری بر الگوهای رفتار شهروندی، این امر موجب بهبود کیفیت محیطی فضاهای شهری می‌شود. به طور کلی شرط اساسی شکوفایی و بالندگی هر جامعه در توسعه سرمایه‌های انسانی و تربیت آنها نهفته است. آموزش و به ویژه آموزش شهروندی عامل اساسی در ارتقاء فرآیندهای توسعه به شمار می‌رود (هر چند که این تنها عامل نیست)، به علاوه آموزش شهروندی می‌تواند سهم بسزایی در مشارکت کامل توده‌های مردم در پیشرفت خود و در نظارت فعالانه‌شان نسبت به تغییرات اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی داشته باشد. در واقع می‌توان گفت آموزش شهروندی از ارکان اساسی زندگی اجتماعی در عصر حاضر است و یکی از پایه‌های توسعه پایدار شهری محسوب می‌گردد (مولایی، ۱۳۹۰: ۲۶). این آموزش‌ها باید در تقویت کیفیت زندگی اجتماعی، کیفیات محیطی شهرها و حل مسائل شهری با محوریت شهروندان بوده باشد. امروزه توسعه پایدار شهری در ابعاد اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، کالبدی و زیست محیطی با مسائلی متعددی روبروست که آموزش، آگاهی، مشارکت و درگیر شدن و حضور فعال مردم را در حل مسائل و ارتقای کیفیات محیطی و نیل به توسعه پایدار را می‌طلبد. به طور کلی برای ایجاد توسعه در یک جامعه وجود ارزش‌هایی لازم و ضروری است و با وجود این ارزش‌هاست که انگیزه‌های فردی افراد را برای ایجاد تغییر و رشد در خود و جامعه پدید می‌آورد و قابلیت‌های افراد را شکوفا می‌سازد و در صورتی که ارزش‌های حاکم بر جامعه مثبت و موثر باشند و انگیزه آنها را برای دنیایی امروزی که هر لحظه در تغییر است تقویت نمایند و عواملی همچون، کسب مهارت، تخصص، نوآوری، کارآفرینی، احترام به حقوق دیگران، پذیرش رقابت آزاد اقتصادی سواد آموزی از عوامل اساسی ارزشها قلمداد نمایند تا بتوانند قدم‌های اساسی در پیشرفت و توسعه اجتماعی و اقتصادی کشور بردارند. زندگی‌مان چیزی جز یک کل انسانی نیست و اگر خواسته باشیم در باره زندگی و جامعه مان دانشی به دست آوریم باید آن را این چنین در نظر بیاوریم، اگر زندگی مان را از زندگی جامعه بگسلانیم در واقع رشته حیاتمان را بریده ایم (کولی، ۱۹۶۶، ۲۸). لذا مسئله اصلی اینجاست که آیا موارد ذکر شده به عنوان ارزشهای والا و مثبت که نیاز یک جامعه برای توسعه است از طرف افراد جامعه نیز از ارزش‌های اصلی محسوب می‌گردند. یا اینکه با توجه به تغییرات سریع و گسترده‌ای که در سطح جوامع در حال رخ دادن است ارزشهای دیگری جایگزین موارد یاد شده گردیده است و لذا شناخت دغدغه‌ها و نظریات اعضاء جامعه در خصوص اهمیت ارزشهایی که باور آنها می‌باشد و به آنها پایبند می‌باشد از عوامل اساسی توسعه یک جامعه می‌باشد چرا که براساس این شناخت است که می‌توان متناسب با نیاز و خواست آنها برای جامعه برنامه ریزی کرد. هدف از این تحقیق بررسی عوامل اجتماع - فرهنگی موثر بر مهارت‌های شهروندی در شهر تهران می‌باشد. لذا در این تحقیق برآنیم که با بررسی سه منطقه شهری ۳، ۷ و ۱۴ میزان تاثیر عوامل و شاخص‌های مهارت‌های شهروندی بر توسعه اجتماعی را مشخص نماییم.

## پیشینه پژوهش

پیشرفت به معنای صعود از نردبان کیفیت ارزش‌ها و کیفیت ارزشی دارای ابعاد مادی و معنوی می‌باشد که متأثر از ریشه‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و نیز ویژگی‌های جوامع بین‌المللی می‌باشد (اردبیلی، ۱۳۸۰: ۲۴) در بررسی اعتماد و ارزشهای اجتماعی، همبستگی اجتماعی عامل مستقیمی در افزایش اعتماد اجتماعی و پایبندی اعضاء جامعه به ارزشهای موجود و کاهش احساس بیگانگی اجتماعی شده و زمینه ساز توسعه اجتماعی می‌باشد. (ابراهیمی، ۱۳۸۵: ۲۰). نحوه زندگی، نگرش‌ها، رفتارها و انگیزش‌های فرد در شرایط مادی زندگی او تعیین کننده می‌باشد و شرایط مادی و تجربیاتی از قبیل تحصیل، شغل و محل سکونت به فرد امکان دست‌یابی به موقعیت‌های بهتر و بروز رفتارهای مناسب در اجتماع از طرف فرد را باعث می‌گردند. (ابادری و چاوشیان، ۱۳۸۱). نقش خانواده در ایجاد فرصت‌های یادگیری و احترام به ارزشهای اجتماعی و اصول اخلاقی را بسیار

مهم می باشد. (ساروخانی و نوید نیا، ۱۳۸۵: ۲۷) در مطالعه ای دیگر ۵۷ نگرش و ارزش اجتماعی- فرهنگی مثبت و منفی در ایران به طور دقیق مورد مطالعه قرار گرفته که در آن ۶۶٪ افراد از وضعیت مسکن خود رضایت داشته اند و ۶۴/۲٪ از ایرانیان برای ثروت ارزش خیلی زیادی قائل هستند، ۵۷/۷٪ کار دولتی و شغل را دارای ارزش زیادی می دانند، ۶۰/۳٪ اعتقاد دارند که از هر قانونی نباید اطاعت کرد و ۹۷/۷٪ برای سلامت به عنوان یک ارزش خیلی زیاد امتیاز داده اند (محسنی، ۱۳۷۹، ۵۱۸). یکی از چالشهای اساسی در دو دهه اخیر مساله جهانی شدن و جهانی سازی است که بر هویت و نظام ارزشی جوامع تأثیری عمیق گذاشته است و در مقوله جهانی شدن و نظام ارزشی ملتها، مقیاسهای پژوهشی جدیدی شامل (هویت دینی و ملی، وضعیت روان شناختی، فرزند پروری در خانواده) طراحی و روایی یابی شده است (لطف آبادی، نوروزی، ۱۳۸۳، ۴). در هیچ دوره ای به اندازه دوره نوجوانی؛ ارزشها و استانداردهای اخلاقی برای انسان مطرح نمی شود و توانایی های شناختی فراینده نوجوانان بیشتر آنان را متوجه ارزشهای اخلاقی می کند (رضا پور، ۱۳۸۱، ۱).

گرچه انسان ها غالباً منطقی عمل نمی کنند اما به منطقی جلوه دادن رفتارشان و پابندی به ارزشهای جامعه سخت گرایش دارند، یعنی می خواهند نشان دهند که عملشان نتیجه منطقی یک رشته افکار است (پارتو، ۱۹۳۴، ۲۹۱) فعالیت یا رفتار فرد تنها در چارچوب فراگرد اجتماعی و ارزشهای کلی گروه اجتماعی اش می توان فهمید، زیرا کنشهای فردی به کنشهای اجتماعی گسترده تری وابسته اند که به فراسوی یک فرد و به اعضای گروه مرتبط اند (مید، ۱۹۳۶). گرچه کل رفتار بشر جدا از رفتار تک تک افراد نیست، اما بیشتر این رفتارها را می توان بر حسب تعلق گروهی افراد از طریق الزام های ارزشی، تبیین کرد که صورت های خاص کنشی متقابل بر فرد تحمیل می کنند و جامعه همان نامی است برای تعدادی از افراد که از طریق کنش متقابل و ارزشها به یکدیگر پیوسته شده اند (زیمل، ۱۹۵۰، ۱۰). اجزای ناهمانند جامعه فعالیتهای ناهمانندی را همزمان بر عهده می گیرند، این فعالیتها هر چند که متفاوت با یکدیگرند، اما چنان به هم وابسته اند که انجام فعالیت هر کسی بستگی به فعالیت دیگری دارد و همین یاری متقابل موجب وابستگی متقابل اجزا به ارزشهای جامعه می گردد و بر پایه همان اصل عامی که یک ارگانیزم فردی را می سازد، مجموعه ای را تشکیل می دهند (اسپنسر، ۱۹۸۱، ۸). در مجموع به نظر می رسد عوامل موثر بر ارزشهای اجتماعی گسترده بسیار زیادی دارند که در حد مقدمات این مقاله ۶ عامل مهم و تاثیر گذار انتخاب و مورد بررسی قرار گرفته است.

### ملاحظات نظری

جامعه هدفی است که خود بهتر ما بدان بستگی دارد، چنانچه هدفی برای فعالیت های افراد باقی نمانده باشد افراد از اهداف جمعی گریزانند. این مسأله و رفتن پیوندهای اجتماعی را که نوعی سستی و درماندگی دسته جمعی یا بیماری اجتماعی است منعکس می کند (آبراهامز، ۱۳۶۳: ۲۰۸-۲۱۴). به عقیده دورکیم، ساختار اجتماعی یک جامعه به گونه ای خودکار اندیشه و رفتار مناسب را در افراد تولید می کند. هنگامیکه ساختارهای گوناگون در سازگاری طبیعی باشند، سلامتی و بهنجار بودن متداول است. آسیب-شناسی و بحران هنگامی رخ می دهد که ساختارها منظم نباشند، به خصوص در دوره انتقالی میان دو صورت که در این مدت صور نامناسب به صورت بقایا می مانند یا از میان می روند، ولی هنوز صور مناسب جایگزین آنها نشده اند (له مان، ۱۳۸۵: ۵۱-۵۸). زمانی که مردم متوجه شوند که سرنوشت آنها به سرنوشت دیگران وابسته است برای همکاری مشتاق تر می باشند. از این منظر که ما به دیگران نیاز داریم باید تلاش برای همبستگی ارگانیک ترویج شود (پاسگو و دیویلد، ۲۰۱۲: ۴۱۹-۴۱۶). جایی که هر فرد در جامعه دارای حوزه های عمل و نقشی خاص در جهت بهبود عملکرد کل جامعه می باشد افراد وابستگی بیشتری به جامعه و نقش های دیگر پیدا می کنند و در نتیجه آگاهی فردی بیشتر توسعه پیدا می کند (آلسانتر و دیگران، ۲۰۱۲: ۳۴۶). حدود خواسته های فرد در جامعه تابع هنجارهای خاصی است و از این طریق، شخص می تواند تمایلات، خواهش ها و خواسته های خود را محدود و در حدی معتدل و عملی تنظیم کند. در صورت شکست و گسستگی هنجارهای جامعه (آنومی)، فرد قادر به برقراری رابطه منطقی بین خود و جامعه نیست و نمی تواند در متابعت از قوانین، هدف ها و رفتار خود را تنظیم کند (محسنی تیریزی، ۱۳۸۳: ۵۴-۵۵). به عقیده

پارسونز، الگوهای فرهنگی به نظام کنش ساخت می‌دهند اما این الگوها بنا به طبیعت خود، کنشگر را ترغیب می‌کنند که انتخاب کند، داوری کند، حکم صادر کند، موضع‌گیری کند، و رفتاری موافق یا مخالف دیگری در پیش گیرد. کنشی که راهنمایش ارزشها هستند، ناگزیر در آن واحد یک انتخاب و یک امتناع است، یک قبول و یک رد است، تمایل به چیزی و تنافری از چیز دیگر است، یک بله و یک نه است. خلاصه‌ی کلام، دوگانگی و تناقض جزئی از ماهیت ارزش‌هاست. پارسونز تقابلی را که تونیس میان جامعه و اجتماع برقرار کرده بود چند بعدی می‌دانست و این ابعاد را چون یک سری پرسش‌های دو گزینه‌ای که هر کنشگر در رابطه با دیگری با آنها روبرو می‌شود، در نظر می‌گرفت. وی تعداد این پرسش‌های دو گزینه‌ای را در هر جامعه‌ای محدود می‌دانست و خود تعداد آنها را چهارتا اعلام کرد و آنها را متغیرهای الگویی<sup>۱</sup> کنش نامید (گی‌روشه، ۱۳۷۶: ۶۷-۶۹). پارسونز در واقع با ردیف کردن این متغیرهای الگویی، طبیعت کنش اجتماعی را به خصوصیات نظامهای اجتماعی ربط می‌دهد. زمانی که نظامهای اجتماعی با مسائل انطباق‌پذیری مواجه می‌شوند، بهترین راه‌حل برای این مسائل توسل به کنش اجتماعی‌ای می‌باشد که مشخصه‌ی آن، بی‌طرفی عاطفی، خاص بودن، عام‌گرایی و عملکرد است. این چهار متغیر الگویی که متناسب با انطباق‌پذیری هستند، الگوی عامی برای جهت‌گیری بوجود می‌آورند (همان، ۲۰۸-۲۰۹). بر مبنای این نظریه، با ایجاد تغییرات در ساخت‌های اجتماعی به ویژه مجموعه ارزش‌ها سنتی که مانع مشارکت می‌شوند، می‌توان جهت‌گیری‌های افراد را به سمت رفتارهای جامعه‌ای سوق داد. متغیرهای الگویی پارسونز عبارتند از: خاص‌گرایی - عام‌گرایی، عاطفی - بی‌طرفی عاطفی، کیفیت - عملکرد، جامعیت - ویژگی. یعنی هرچه ارزش‌گذاری‌ها و رفتار افراد به سمت عام‌گرایی و بی‌طرفی عاطفی باشد و افراد و اشیاء براساس عملکرد و ویژگی آنها مورد قضاوت قرار بگیرند و این نگرش‌ها در رفتار افراد انعکاس پیدا کند، به سمت اجتماع جامعه‌ای حرکت می‌کنیم (کرایب، همان: ۶۰). مهمترین متغیر الگویی پارسونز عام‌گرایی در برابر خاص‌گرایی می‌باشد. عام‌گرایی در برابر خاص‌گرایی، یکی از انتخاب‌های ممکن فراروی کنشگران در نحوه‌ی سوگیری نسبت به اعیان مختلف اجتماعی، فرهنگی و فیزیکی می‌باشد. یکی از مهمترین عناصری که زمینه‌ساز تمایل به سوگیری عام‌گرایانه تلقی می‌شود، اعتماد تعمیم‌یافته است. اعتماد تعمیم‌یافته که در فرآیند توسعه‌ی اجتماعی و بسط روابط بین‌گروهی شکل می‌گیرد، زمینه‌ساز احساس مسئولیت، تعادل اجتماعی و بسط عام‌گرایی است و برعکس ضعف تمایلات بین‌گروهی، تحدید عواطف، اعتماد، احساس مسئولیت و در پی آن روابط خاص‌گرایانه، پیامدهای زیانباری چون بی‌نظمی و از هم‌پاشیدگی سازمان اجتماعی را به دنبال خواهد داشت (غفاری و نوایی، همان: ۲۱۱).

به عقیده‌ی پارسونز، در جوامعی که موقعیت خانوادگی موجب نفوذ و در نهایت رده‌بندی افراد می‌شود و پایگاه اجتماعی اغلب بسته به روابط بیولوژیکی می‌باشد، برای نظام آزادی انتخاب افراد لایق و تخصیص موقعیت‌های اجتماعی جدای از اشخاص وجود ندارد. اما در وضعیتی که کسب امتیاز شخصی موجب نفوذ پایگاه خویشاوندی می‌شود، تکامل به سوی نظامی از رده‌ها که به طور غیرشخصی قشربندی شده باشند، آغاز می‌شود. در چنین شرایطی، با شکل‌گیری یک «مای» جدید، اساس هنجاری وسیع‌تری مطرح می‌شود و تمایلی به سوی قواعد هنجاری آشکاری که بیانگر تعلق و شهروندی است شکل می‌گیرد. به محض شکل‌گیری این قواعد، زمینه‌های هنجاری عامی در جهت یکپارچگی اجتماعی، جایگزین الزامات ملموس خاص می‌شود. با بسط هویت جمعی مطمئن‌تر، آزادی انطباق بیشتر می‌شود، فضای نوآوری افزایش می‌یابد و توان انطباق بیشتری بوجود می‌آید (اسکیدمور، همان: ۲۲۲-۲۲۳). بر طبق نظریه بی‌سازمانی اجتماعی، نظام اجتماعی در صورتی سازمان یافته و هماهنگ است که در خصوص هنجارها و ارزش‌های آن نوعی اتفاق نظر درونی و اجماع نظر وجود داشته باشد. بر اساس این تئوری، در وضعیت بی‌هنجاری، هنجارهای اجتماعی مطلوبیت خود را از دست داده و مدیریت اخلاقی لازم را بر افراد نمی‌تواند اعمال کند. در نتیجه، افراد نمی‌توانند جهت رفتار خویش را تعیین نمایند. لذا فرد در چنین وضعیتی به درون خویش پناه برده و پیوندهای اجتماعی را نفی می‌کند. همراه با این وضعیت، اعتماد اجتماعی که لازمه‌ی آن وجود ضمانت‌های هنجاری متقابل می‌باشد کاهش یافته و افراد مشارکت کمتری در

<sup>1</sup> pattern variables

روابط اجتماعی خواهند داشت و در نتیجه تعهدات آنها نیز رو به نقصان می‌رود (فاطمی‌نیا و حیدری، ۱۳۸۹: ۵۰). در کل می‌توان چنین گفت که تئوری بی‌سازمانی اجتماعی بر شرایط ساختاری و نوعی از سازمان اجتماعی تأکید می‌کند که نقطه مقابل اعتماد، مشارکت، همبستگی و پیوندهای اجتماعی است. شرایطی که در آن، شبکه‌های اجتماعی ضعیف، مشارکت در جامعه کم و اعتماد پایین است (عباس‌زاده و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۵۵-۱۵۶). در یک نظام اجتماعی، خواه یک کشور، اجتماع محلی یا یک انجمن، آنچه در بی‌سازمانی اجتماعی دخالت دارد، وجود نارسایی و وقفه‌هایی است که در کانال‌های کارآمد ارتباطی میان مردم در یک نظام اجتماعی پدید می‌یابد. به عقیده‌ی مرتن، نوع مشکل اجتماعی که به بی‌سازمانی مربوط می‌شود، برخلاف کجروی، بر اثر عدم انطباق مردم با نیازمندی‌های پایگاه اجتماعی‌شان بوجود نمی‌آید، بلکه ناشی از سازماندهی نادرست این پایگاه‌ها در یک نظام اجتماعی دارای همبستگی منطقی است (مرتن، ۱۳۸۵: ۴۹-۵۶). وی آنومی (بی‌هنجاری) را ناشی از گسست میان اهداف فرهنگی و راههای رسیدن به این اهداف می‌داند. به عبارتی، شکاف بین اهداف و راههای دستیابی به این اهداف، منتج به شکست ارزشها در سطح اجتماعی و فردی می‌شود. طبق نظریه‌ی محرومیت نسبی، احساس محرومیت نسبی متأثر از درک افراد از عادلانه بودن جامعه می‌باشد. بنابراین افرادی که درک آنها از جامعه و یا سازمان‌هایی که با آنها سر و کار دارند دلالت بر عدالت داشته باشد و جامعه را عدالت محور بپندارند تعهد و مسئولیت‌پذیری بیشتری دارند تا آن کس که جامعه را ناعادلانه می‌پندارد (فاطمی‌نیا و حیدری، همان: ۵۱). رابرت گار<sup>۱</sup>، از نظریه‌پردازان رهیاف «محرومیت نسبی»، احساس محرومیت را نتیجه‌ی احساس وجود شکاف بین توقعات ارزشی و قابلیت‌های ارزشی می‌داند. توقعات یا انتظارات ارزشی را باید مجموعه‌ای از کالاها، منافع و شرایط زندگی دانست که مردم خود را در به دست آوردن آنها ذی‌حق می‌دانند. توانایی یا قابلیت‌های ارزشی کالاها و شرایطی هستند که مردم بر این باوراند در صورت در اختیار داشتن ابزارهای جمعی قادر خواهند بود آنها را به دست آورند (نواح و تقوی‌نسب، ۱۳۸۶: ۱۴۹؛ لهسانی‌زاده، ۱۳۹۱: ۳۸). بنابراین به نظر می‌رسد که توزیع نابرابر امکانات در یک جامعه، مهمترین علت پیدایش احساس محرومیت باشد. اما عامل دیگر در پیدایش احساس محرومیت به غیر از عامل نابرابری، مقایسه‌های اجتماعی است.

بنا به نظریه مقایسه‌های اجتماعی لئون فستینگر<sup>۲</sup>، هرگاه افراد به معیارها و مقایسه‌های عینی دست پیدا نکنند، عقاید و استعدادها خود را با دیگرانی که تقریباً شبیه خود آنها می‌باشد مقایسه می‌کنند. پس از شکل‌گیری فرآیند مقایسه اجتماعی، جریان نیازآفرین و احساس نیاز از قشر بالا به قشر پایین سرایت می‌کند و چون انسانها موجودات منفعلی نیستند، در پی ارضای نیازهای خود می‌باشند. اما به علت محدودیت جامعه در توزیع امکانات یکسان جهت ارضای نیازهای متعدد و متنوع، زمینه برای احساس محرومیت فراهم می‌شود (امام جمعه‌زاده و دیگران، ۱۳۹۱: ۵۰-۵۱). نظریه‌های احساس محرومیت نسبی در دو سطح فردی و گروهی قابل بررسی است. احساس محرومیت در سطح فردی باعث گسترش اضطراب، آشفتگی، بیگانگی و انزوای فرد در اجتماع می‌شود، در حالیکه احساس محرومیت در سطح گروهی منجر به کاهش مشارکت بهنجار، گسترش خشونت سیاسی، کشمکش داخلی و غیره می‌گردد (همان، ۵۲).

به عقیده چلبی، تعاملات اجتماعی به چهار نوع تفکیک می‌شوند شامل تعاملات عاطفی (اجتماعی)، تعاملات قدرت، تعاملات مبادله‌ای، و تعاملات گفتمانی (ارتباطات نمادی). این چهار نوع تعاملات به ترتیب مسئول اصلی چهار نوع اجتماع یعنی اجتماع طبیعی، اجتماع سیاسی، اجتماع اقتصادی و اجتماع اخلاقی‌اند. به هر حال آنچه مهم است، کم و کیف این چهار نوع اجتماع و نحوه‌ی ارتباط آنها در شبکه تعاملات جامعه است. با نفوذ اجتماع طبیعی در انواع تعاملات اجتماعی و همچنین افزایش پیوندهای ضعیف یا به عبارتی پل‌های ارتباطی در شبکه تعاملات جامعه، روابط بین گروهی و در نتیجه انسجام عام تقویت می‌شود و به همان نسبت هویت جامعه‌ای نسبت به سایر هویت‌های جمعی برتری کسب می‌نماید. با عمده شدن هویت جامعه‌ای نسبت به سایر هویت-

<sup>1</sup> Ted Robert Gurr

<sup>2</sup> Leon Festinger

های جمعی، میزان عام‌گرایی نقش‌ها و میزان عام‌گرایی کنشگران افزایش می‌یابد که به نوبه‌ی خود موجب تقویت همبستگی عام و اجتماع عام می‌گردد (چلبی، ۱۳۸۹: ۹۹-۱۰۰).

خاص‌گرایی در سطح نظام شخصیتی مانعی است بر سر راه تعریض افق نمادی و هنجاری کنشگران اجتماعی، عدم تعریض افق نمادی نیز می‌تواند موجب عدم به کارگیری گسترده اصول فرهنگی در میدان‌های تعاملی جامعه گردد. در مقابل، برتری اصول عام مشترک نسبت به اصول خاص باعث تقویت وحدت نمادی و مفاهیمی فرهنگی در سطح جامعه می‌شود. بعلاوه این برتری کمک می‌نماید تا احساس تعلق به اجتماع جامعه‌ای تقویت شود و به این ترتیب هویت جامعه‌ای در رأس سایر هویت‌های جمعی قرار گیرد. در این صورت تعهد عمومی اعضای جامعه هم‌زمان تقویت می‌شود و هم تعمیم می‌پذیرد (همان، ۱۴۰).

### مفاهیم تحقیق

#### توسعه اجتماعی و شاخص‌ها

• توسعه در معنای لغوی معادل کلمه انگلیسی Development به معنی بسط دادن، گسترش یافتن و امثالهم است ولی در ادبیات اقتصادی و اجتماعی معنای خاصی دارد. توسعه به ابعاد مختلفی تقسیم می‌شود که توضیح مختصری از آنها مناسب به نظر می‌رسد. جرالدمی<sup>۱</sup> می‌گوید «توسعه عبارت است از فرایندی که به موجب آن، درآمد واقعی سرانه یک کشور در دورانی طولیل‌المدت افزایش یابد» (جیروند، ۱۳۶۶: ۸۳). توسعه اقتصادی عبارت است از، ترکیبی از تغییرات روحی و اجتماعی جمعیت، که در اثر این تغییرات، محصول حقیقی ناشی از تولید به طور مستمر افزایش یابد (پازوکی، ۱۳۵۵: ۲۹). بطور کلی توسعه اقتصادی عبارتست از پیشرفت مستمر و همه‌جانبه در تمام ابعاد یک کشور (از کیا، ۱۳۶۵: ۷). اصولاً باید بین دو اصطلاح توسعه اقتصادی و رشد اقتصادی تفاوت قایل شد: رشد اقتصادی مفهومی کمی است، در حالی که توسعه اقتصادی مفهومی کیفی است. رشد اقتصادی به تعبیری عبارتست از افزایش تولید (کشور) در یک سال خاص در مقایسه با مقدار آن در سال پایه. در سطح کلان افزایش تولید ناخالص ملی (GNP) یا تولید ناخالص داخلی (GDP)، رشد اقتصادی محسوب می‌شود که باید برای دستیابی به عدد رشد واقعی تغییر قیمت‌ها (بخاطر تورم) و استهلاک تجهیزات و کالاهای سرمایه‌ای را نیز از آن کسر نمود. مباحث توسعه اقتصادی از قرن هفدهم و هجدهم میلادی در کشورهای اروپایی مطرح گردید. فشار صنعتی شدن و رشد فناوری در این کشورها توأم با تصاحب بازار کشورهای ضعیف مستعمراتی باعث شد تا در زمانی کوتاه، شکاف بین دو قطب پیشرفته و عقب مانده عمیق شده و دو طیف از کشورها در جهان شکل گیرد. کشورهای پیشرفته (توسعه یافته) و کشورهای عقب مانده. با خاموش شدن جنگ جهانی دوم و شکل‌گیری نظمی عمومی در جهان (در کنار به استقلال رسیدن بسیاری از کشورهای مستعمره‌ای) این شکاف به خوبی نمایان شد و ملل مختلف جهان را با این سؤال اساسی مواجه ساخت که چرا بعضی از مردم جهان در فقر و گرسنگی مطلق به سر می‌برند و بعضی در رفاه کامل؟ از همین دوران اندیشه‌ها و نظریه‌های توسعه در جهان شکل گرفت و مکاتبی چون نظریه تکاملی، نظریه وابستگی و نظریه نوسازی مطرح شد. یکی از مهمترین ابعاد توسعه، توسعه اجتماعی است. توسعه اجتماعی از دیدگاه‌های متفاوت معناهای مختلفی را داراست از جمله: گذر از جامعه سنتی به صنعتی یا مدرن از طریق تقسیم کار که در نظر دورکیم مطرح بود (دورکیم، ۱۳۹۲) و دیگرانی که آن را به معنی سرمایه اجتماعی، هویت انسانی، عقلانیت، ارتباط، اعتماد، انسان بودن و غیره می‌گرفتند. در ایران این مفهوم با شاخص‌های هویت و اعتماد اجتماعی بیشتر مد نظر بود. توسعه اجتماعی در سال ۱۹۹۵ به معنی مبارزه با فقر مطرح شد که مسئولیت اصلی مقابله با فقر به عهده دولتهای ملی و نظارت آن بر عهده اجتماع بین‌المللی گذاشته شده بود.<sup>۲</sup> این

<sup>1</sup> Gerald Meier

<sup>2</sup> <http://www.un.org/esa>

نظارت در بیانیه ژنو بر رعایت حقوق بشر بخشودگی بدهی های خارجی کشورهای فقیر، تجارت خارجی کشورها، سرمایه گذاری در بخشهای اجتماعی و نقش بانک جهانی تأکید داشت. شاخص های توسعه عبارت بود از: دسترسی به خدمات آموزشی، درصد جمعیت با سواد، طول عمر، میزان مرگ و میر نوزادان، سوء تغذیه و تغذیه مناسب، سطح بهداشت و کنترل بیماری ها، مسکن مناسب، برابری زن و مرد و... مهم ترین موضوع از این نظر توسعه انسانی و آن هم در عمل به معنی مقابله با فقر و نابرابری است که باید با سیاستگذارهای اجتماعی تأمین شود.

● شاخص های اصلی توسعه اجتماعی عبارتند از:

۱. مسایل جمعیتی
۲. مسایل آموزشی
۳. مسایل شغلی
۴. مسایل زناشویی
۵. مسایل بهداشتی - درمانی
۶. مسایل ورزشی
۷. مسایل مربوط به مشارکت های اجتماعی - فرهنگی
۸. مسایل مربوط به مشارکت سیاسی
۹. کتاب و کتابخوانی
۱۰. مطبوعات و رسانه های همگانی

شاخص های توسعه اجتماعی - فرهنگی که ما مورد مطالعه قرار دادیم از این قرار بود. البته همانطور که ملاحظه می شود هر عنوان خود دارای زیر مجموعه هایی است که تغییرات هر کدام از آنها بررسی خواهد شد.

جدول (۲): مولفه های اصلی و شاخص های توسعه اجتماعی

| شاخص ها  | عامل   |
|--|--------|
| <ul style="list-style-type: none"> <li>▪ قدر مطلق و کمیت جمعیت</li> <li>▪ هرم سنتی جمعیت با مقدار جمعیت هر یک از گروه های سنی ۵ ساله</li> <li>▪ نرخ رشد جمعیت کل، شهری و روستایی</li> <li>▪ نرخ مهاجرت به داخل و خارج شهرستان</li> <li>▪ نسبت جنسی</li> <li>▪ نرخ باوروری - کل، شهری و روستایی</li> </ul>  | جمعیت  |
| <ul style="list-style-type: none"> <li>▪ نرخ باسوادی بطور کلی در شهرستان.</li> <li>▪ نرخ باسوادی بر حسب جنس.</li> <li>▪ نرخ باسوادی به تفکیک گروههای سنی.</li> <li>▪ نرخ باسوادی به تفکیک مناطق شهری و روستایی.</li> <li>▪ باسوادان به تفکیک مدرک تحصیلی.</li> <li>▪ باسوادان به تفکیک رشته تحصیلی.</li> <li>▪ تعداد مراکز آموزشی به طور کل.</li> <li>▪ تعداد مراکز آموزشی بر حسب مقطع تحصیلی.</li> <li>▪ تعداد مراکز آموزشی بر حسب دولتی و غیردولتی.</li> <li>▪ نسبت دانش آموزان به معلم در انواع مختلف مراکز آموزشی.</li> <li>▪ نسبت دانش آموزان به فضای آموزشی در انواع مختلف مراکز آموزشی.</li> <li>▪ نسبت دانشجو به استاد.</li> </ul> | آموزش  |
| <ul style="list-style-type: none"> <li>▪ نرخ اشتغال عمومی در شهرستان.</li> </ul>   | اشتغال |

|   |                          |
|---|--------------------------|
| <ul style="list-style-type: none"> <li>▪ نرخ اشتغال به تفکیک جنس.</li> <li>▪ نرخ اشتغال به تفکیک گروه‌های سنی.</li> <li>▪ نرخ اشتغال به تفکیک دارندگان مدارک تحصیلی.</li> <li>▪ نرخ اشتغال به تفکیک مناطق شهری و روستایی.</li> </ul>                                |                          |
| <ul style="list-style-type: none"> <li>▪ نسبت متاهلین به طور کل.</li> <li>▪ نسبت متاهلین به تفکیک گروه‌های سنی.</li> <li>▪ نسبت متاهلین به تفکیک جنس.</li> <li>▪ نسبت متاهلین به تفکیک مناطق شهری و روستایی.</li> </ul>   | <b>زناشویی و ازدواج</b>  |
| <ul style="list-style-type: none"> <li>▪ نسبت پزشک به جمعیت.</li> <li>▪ نسبت دندانپزشک به جمعیت.</li> <li>▪ نسبت داروساز به جمعیت.</li> <li>▪ نسبت تخت بیمارستانی به جمعیت.</li> <li>▪ نسبت پرستار به جمعیت.</li> <li>▪ نسبت داروخانه به جمعیت.</li> </ul>          | <b>بهداشت و درمان</b>    |
| <ul style="list-style-type: none"> <li>▪ تعداد فضای ورزشی به تفکیک مراکز، شهرستان، نوع استفاده و جنس مورد استفاده.</li> <li>▪ نسبت فضای آموزشی به جمعیت و جنس.</li> <li>▪ تعداد مدال‌های بدست آمده به تفکیک رشته ورزشی و سال.</li> </ul>                            | <b>تربیت بدنی و ورزش</b> |
| <ul style="list-style-type: none"> <li>▪ تعداد سازمان‌های غیردولتی NGO به تفکیک نوع فعالیت، شهرستان و جنس.</li> </ul>   | <b>مشارکت‌های مردمی</b>  |
| <ul style="list-style-type: none"> <li>▪ درصد شرکت کنندگان در انتخابات مجلس، ریاست جمهوری و شوراهای اسلامی</li> </ul>   | <b>مشارکت‌های سیاسی</b>  |
| <ul style="list-style-type: none"> <li>▪ تعداد کتابخانه‌های عمومی به تفکیک تعداد کتب، شهرستان، مراجعین به کتابخانه‌ها.</li> <li>▪ تعداد کتب منتشره در استان.</li> <li>▪ تعداد کتاب‌فروشی‌ها.</li> </ul>   | <b>کتاب و کتابخوانی</b>  |
| <ul style="list-style-type: none"> <li>▪ تعداد مجلات و روزنامه‌های منتشره در استان و تیراژ آنها.</li> <li>▪ تعداد سینماها به تفکیک شهرستان.</li> <li>▪ پوشش رادیو - تلویزیونی در شهرستانهای استان.</li> <li>▪ تولید برنامه‌های رادیو - تلویزیونی استانی.</li> </ul> | <b>رسانه‌های گروهی</b>   |

- **شهرها و فرهنگ:** انفجار جمعیت در شهرهای دنیا منجر به ایجاد چرخه‌های رفتاری مخربی شده است که احتیاز بمب هیدروژنی هم مهلک‌تر هستند. انسان با یک واکنش زنجیره‌ای رودر روست و عملاً هیچ اطلاعی از ساختار اتم‌های فرهنگی تشکیل دهنده آن ندارد. در حال حاضر عواقب مهیبی در چرخه‌های شهری رودر روستیم. با توجه به مطالعه رفتار جانوران و روش‌های مقایسه‌ای بررسی و تحقیق شاید ما را به خطراتی که با سرازیر شدن جمعیت روستایی به مراکز شهری پیش رویمان است، آگاه سازد. مسائل پیچیده دیگری هم در برخورد با سیستم‌های ارتباطی نا آشنا، فضاهای ناهمگون؛ و آسیب‌شناسی مربوطه یک چرخه رفتاری فعال و در حال تورم، به شرایط حاضر اضافه می‌شود (Hall, 1990). جنبه‌های فرهنگی در طراحی شهری بیشتر سلیقه‌ای بوده و از تنوع بیشتری برخوردار است، چرا که هر شهر به تبع سلیقه و فرهنگ شهروندانش متفاوت از شهری دیگر است و سیما و کارکرد فرهنگی شهر از پیوندزدن بین جنبه‌های زیباشناختی، فرهنگی و هنری با وجوه مختلف زندگی جمعی است.
- **ادراک محیط:** روانشناسان معمولاً در مطالعه ادراک معمولاً بر ادراک شی تأکید ویژه‌ای دارند. فضاهای شهری بخشی از فضاهای باز و عمومی هستند که به نوعی تبلور ماهیت زندگی جمعی می‌باشند، یعنی جایی که شهروندان در آن حضور دارند. در این فضا فرصت آن وجود دارد که برخی مرزهای اجتماعی شکسته شوند و برخوردهای از پیش تدوین نیافته به وقوع پیوندند و افراد در یک محیط اجتماعی جدید با هم ارتباط یابند (لینچ، ۱۳۸۱). به منظور غنی کردن تجربه



حضور شهروندان در عرصه های عمومی شهری، ارتقاء کیفیت های بصری - کالبدی عرصه های عمومی از جایگاه والایی برخوردار است (پورجعفر و همکاران، ۱۳۸۷: ۹۶). سنجش کیفیت محیط اولین مرحله در اداره کردن و مدیریت کیفیت محیط نواحی سکونت شهری می باشد (رضایی رادورفیعیان، ۱۳۹۰: ۴). بهبود کیفیت فضاهای عمومی شهرها بر فعالیتهای روزمره و اجتماعی شهروندان تاثیر می گذارد و این تاثیر را بهتر از هر جای دیگر می توان در فضاهای تردد عمومی مشاهده کرد (Gehl, 1987: 4). ارتقای سیمای خیابان به وسیله افزایش حضور پیاده به بهبود سیمای شهر و تصویر ذهنی افراد کمک می کند. اگر خیابانها جذاب باشند، به تمام شهر نیز حس جذابیت را خواهند دمید. پیاده راهها باید سرزنده باشند تا بتوانند ساکنان بیشتری را به خود جلب کنند (Jacobs, 1961: 27). بنابراین می توان گفت مهارت های شهروندی در قالب آموزش شهروندی ساکنان در این فضاها می تواند کیفیت محیط را ارتقاء دهد.

- **مهارت های شهروندی:** فضای عمومی باید شرایطی را برای گروه های مختلف اجتماعی فراهم کند تا علاوه بر رابطه های با واسطه، به طور بی واسطه نیز با یکدیگر ارتباط برقرار کنند (پورجعفر و همکاران، ۱۳۸۹: ۲۳). اگر بپذیریم که بخش مهمی از برخوردهای اجتماعی و فرهنگی شهروندی در فضاهای شهری اتفاق می افتد، در آن صورت نقش مهارت های شهروندی در تقویت بنیانهای اجتماعی و فرهنگی شهر غیر قابل انکار می نماید. در نتیجه این فضاها هم از نظر ارتباطی و هم به لحاظ کالبدی - فضایی از جایگاه ارزشمندی در ارتقا و بهبود کیفیت محیطی در مراکز شهری برخوردارند (Mohammadzaheh, 2005: 265). شهرنشینی و زندگی در شهر مستلزم دانستن موارد متعددی است، شهروند بودن رعایت موارد و عواملی خاص را طلب می کند که بعضی از آنها اجباری و بعضی اختیاری است. مثلاً رعایت قوانین تردد، مالیات و نظایر اجباری و فعالیت هایی چون حضور در فعالیت های جمعی و تصمیم گیری ها اختیاری است.

- **شهر:** شهر یک مجموعه است. مجموعه ای که عناصر و عوامل متعددی را در خود جای داده است. آدم ها در شهر به سه شیوه در حال زندگی اند؛ به صورت فردی، خانوادگی و گروهی. از سویی مکان های شهری نیز سه دسته اند؛ مکان های عمومی، خصوصی یا دولتی. فعالیت هایی که در شهرها انجام می گیرد نیز سه نوع است؛ فعالیت های سیاسی، فرهنگی یا اقتصادی. این در واقع مدلی از یک شهر است که آدم ها به شکل فردی، خانوادگی و گروهی در مکان های عمومی، خصوصی یا دولتی به فعالیت های سیاسی، فرهنگی یا اقتصادی مشغول هستند (WHO, ۲۰۱۱). به تنظیم روابط و تبیین مناسبات و مهارت هایی که این سه جزء برای زندگی احتیاج دارند، مهارت های شهروندی می گویند. یعنی آدم ها با خود و اماکن و فعالیت ها، روابطی را به وجود می آورند و مهارت هایی را شکل می دهند. شهروند بودن رعایت موارد و عواملی خاص را طلب می کند که بعضی از آنها اجباری و بعضی اختیاری است. مثلاً رعایت قوانین تردد، مالیات و نظایر اجباری و فعالیت هایی چون حضور در فعالیت های جمعی و تصمیم گیری ها اختیاری است.

سازمان بهداشت جهانی مهارت های زندگی و شهروندی را با عناوین ده گانه زیر مشخص نموده است که هر یک از این مهارت ها در پرورش های جداگانه ی سازمان بهداشت جهانی بطور مفصل توضیح داده شده است. رمز برخورداری از مهارت ها، دانستن، تمرین و به کار گیری هر چه بیشتر در زندگی روزمره است.



نمودار (۱): عناوین ده‌گانه مهارت‌های زندگی و شهروندی (ماخذ: [www.who.int/](http://www.who.int/))

- آموزش شهروندی:** آموزش شهروندی بخشی از وظایف مدیریت شهری است، در واقع دولت و نهادهای قانونگذار، سازمانهای ملی و محلی، تشکلهای مدنی و... از طریق آموزش حقوق شهروندی و مهارت‌های زندگی جمعی و شناخت اصول مدیریت شهری نقش بارزی در تربیت شهروندان خواهند داشت؛ در این راستا بخشی از این آموزه‌ها در مورد انتظارات از مدیریت شهری جامعه است و همچنین نقش شهروندان در قبال مدیریت شهری را آموزش می‌دهد. ایجاد، تنظیم و گسترش روابط، مناسبات، حقوق و مهارت‌های لازم در ساماندهی ارتباطات اجزای سه‌گانه شهر، شامل موضوعاتی است که در حیطه آموزش شهروندی قرار می‌گیرد. به عبارت دیگر روابط انسان‌ها با یکدیگر، با فعالیت‌های جامعه و اماکن شهری به خصوص در کلان‌شهر کشور از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است (اقبال و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۴۷). این آموزش‌ها راجع به اصول زندگی شهرنشینی، رعایت حقوق شهروندان و مقررات شهری و دولتی و... می‌باشد. این آموزه‌های مدنی در واقع به سمت قانونمند کردن زندگی شهری سوق یافته است، از طریق این آموزه‌ها سعی شده که پیامدها و مخاطرات اجتماعی، فرهنگی، حقوقی و روانی مدیریت شهری را کاهش داد. هدف این است که از طریق آموزه‌های رسمی و غیررسمی بتوان برای افراد جامعه مشخص کرد که در قوانین و مقررات شهری چه جایگاهی دارند. بنابراین آموزش و پرورش شهروندان از طریق آشنایی و شناخت آنان در پرتو قوانین و مقررات شهری چه بصورت رسمی و غیررسمی باعث این می‌شود که شهروندان نقش پویاتری در مشارکت شهری و مفهوم شهروندی داشته باشند (عبداللهی، ۱۳۸۷).

#### فرضیه‌ها

۱. به نظر می‌رسد بین خودآگاهی و توسعه اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد.
۲. به نظر می‌رسد بین همدلی و توسعه اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد.
۳. به نظر می‌رسد بین قدرت تصمیم‌گیری و توسعه اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد.
۴. به نظر می‌رسد بین تفکر نقادانه و توسعه اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد.
۵. به نظر می‌رسد بین روابط بین فردی و توسعه اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد.

### روش شناسی

تحقیق حاضر یک مطالعه موردی از نوع توصیفی و تحلیلی است. از سوی دیگر یک تحقیق میدانی می باشد چارچوب نظری تحقیق براساس روش اسنادی و مطالعه سایر مقالات و سایت های علمی مرتبط با موضوع تحقیق از یک طرف و همچنین استفاده از تکنیک پرسشنامه استفاده گردیده با این هدف که با تدوین سوالات مرتبط با مبانی نظری و هدفی که برای تحقیق داشته ایم. بتوانیم جمع بندی از دیدگاه شهروندان با توجه به فرضیات ارائه شده بدست آوریم. نمونه آماری تحقیق حاضر ۳۸۵ نفر از ساکنان در مناطق ۳، ۷ و ۱۴ شهر تهران به عنوان حجم نمونه از میان ۱۱۰۸۱۹۰ نفر ساکن انتخاب شداند که انتخاب افراد حجم نمونه به صورت تصادفی بوده است و تعداد ۳۸۵ پرسشنامه حاوی سوالات مربوط به تحقیق در بین جامعه آماری انتخاب شده توزیع شده و پس از تجزیه و تحلیل آماری با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون مورد بررسی قرار گرفته است.

جدول (۱): اطلاعات جمعیتی شهر تهران به تفکیک مناطق

| منطقه  | تعداد خانوار | زن     | مرد    | جمعیت   |
|--------|--------------|--------|--------|---------|
| ۳      | ۱۰۶۰۴۶       | ۱۶۵۴۹۱ | ۱۴۸۶۲۱ | ۳۱۴۱۱۲  |
| ۷      | ۱۰۸۷۲۸       | ۱۵۹۷۲۰ | ۱۵۰۰۲۵ | ۳۰۹۷۴۵  |
| ۱۴     | ۱۵۳۶۴۹       | ۲۴۰۲۱۱ | ۲۴۴۱۲۲ | ۴۸۴۳۳۳  |
| جمع کل | ۳۶۸۴۲۳       | ۵۶۵۴۲۲ | ۵۴۲۷۶۸ | ۱۱۰۸۱۹۰ |

$$n = \frac{\frac{(1/96)^2 \times 0.5 \times 0.5}{(0.5)^2}}{1 + \frac{1}{1108190} \left[ \frac{\left( \frac{(1/96)^2 \times 0.5 \times 0.5}{(0.5)^2} \right) - 1}{1} \right]} = \frac{384/16}{1/0.00345} = 384/0.275 \approx 385$$

### یافته ها

۱. به نظر می رسد بین خود آگاهی و توسعه اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد. با توجه به این که خود آگاهی و توسعه اجتماعی متغیرهای رتبه ای می باشند از آزمون ضریب همبستگی اسپیرمن استفاده می شود.

جدول (۳): آزمون ضریب همبستگی اسپیرمن برای سنجش رابطه میان خود آگاهی و توسعه اجتماعی

| Correlations   |               |                         |       |               |
|----------------|---------------|-------------------------|-------|---------------|
|                |               | خود آگاهی               |       | توسعه اجتماعی |
| Spearman's rho | خود آگاهی     | Correlation Coefficient | 1.000 | .473          |
|                |               | Sig. (2-tailed)         | .     | .004          |
|                |               | N                       | 385   | 385           |
|                | توسعه اجتماعی | Correlation Coefficient | .473  | 1.000         |
|                |               | Sig. (2-tailed)         | .004  | .             |
|                |               | N                       | 385   | 385           |

با توجه به جدول ۳ میزان ضریب همبستگی میان متغیرهای خود آگاهی و توسعه اجتماعی برابر با ۰/۴۷۳ محاسبه شده است که این میزان نشانگر وجود رابطه ای نسبتاً قوی و مستقیم است. بدین معنی که با افزایش (یا کاهش) خود آگاهی میزان توسعه اجتماعی افزایش (یا کاهش) می یابد. با توجه به سطح معناداری این رابطه که برابر با ۰/۰۰۴ است و کوچکتر از ۰/۰۵ محاسبه شده است بنابراین فرض صفر رد و فرضیه پژوهش تایید می شود. یعنی بین خود آگاهی و توسعه اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد.

۲. به نظر می رسد بین همدلی و توسعه اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد.

با توجه به این که همدلی و توسعه اجتماعی متغیرهای رتبه ای می باشند از آزمون ضریب همبستگی اسپیرمن استفاده می شود.

جدول (۴): آزمون ضریب همبستگی اسپیرمن برای سنجش رابطه میان همدلی و توسعه اجتماعی

| Correlations   |               |                         |       |               |
|----------------|---------------|-------------------------|-------|---------------|
|                |               | همدلی                   |       | توسعه اجتماعی |
| Spearman's rho | همدلی         | Correlation Coefficient | 1.000 | .547          |
|                |               | Sig. (2-tailed)         | .     | .001          |
|                |               | N                       | 385   | 385           |
|                | توسعه اجتماعی | Correlation Coefficient | .547  | 1.000         |
|                |               | Sig. (2-tailed)         | .001  | .             |
|                |               | N                       | 385   | 385           |

با توجه به جدول ۴ میزان ضریب همبستگی میان متغیرهای همدلی و توسعه اجتماعی برابر با ۰/۵۴۷ محاسبه شده است که این میزان نشانگر وجود رابطه ای نسبتاً قوی و مستقیم است. بدین معنی که با افزایش (یا کاهش) همدلی میزان توسعه اجتماعی افزایش (یا کاهش) می یابد. با توجه به سطح معناداری این رابطه که برابر با ۰/۰۰۱ است و کوچکتر از ۰/۰۵ محاسبه شده است بنابراین فرض صفر رد و فرضیه پژوهش تایید می شود. یعنی بین همدلی و توسعه اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد.

۳. به نظر می رسد بین قدرت تصمیم گیری و توسعه اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد.

با توجه به این که قدرت تصمیم گیری و توسعه اجتماعی متغیرهای رتبه ای می باشند از آزمون ضریب همبستگی اسپیرمن استفاده می شود.

جدول (۵): آزمون ضریب همبستگی اسپیرمن برای سنجش رابطه میان قدرت تصمیم گیری و توسعه اجتماعی

| Correlations   |                 |                         |       |               |
|----------------|-----------------|-------------------------|-------|---------------|
|                |                 | قدرت تصمیم گیری         |       | توسعه اجتماعی |
| Spearman's rho | قدرت تصمیم گیری | Correlation Coefficient | 1.000 | .327          |
|                |                 | Sig. (2-tailed)         | .     | .002          |
|                |                 | N                       | 385   | 385           |
|                | توسعه اجتماعی   | Correlation Coefficient | .327  | 1.000         |
|                |                 | Sig. (2-tailed)         | .002  | .             |
|                |                 | N                       | 385   | 385           |

با توجه به جدول ۵ میزان ضریب همبستگی میان متغیرهای قدرت تصمیم گیری و توسعه اجتماعی برابر با ۰/۳۲۷ محاسبه شده است که این میزان نشانگر وجود رابطه ای نسبتاً قوی و مستقیم است. بدین معنی که با افزایش (یا کاهش) قدرت تصمیم گیری میزان توسعه اجتماعی افزایش (یا کاهش) می یابد. با توجه به سطح معناداری این رابطه که برابر با ۰/۰۰۲ است و کوچکتر از ۰/۰۵ محاسبه شده است بنابراین فرض صفر رد و فرضیه پژوهش تایید می شود. یعنی بین قدرت تصمیم گیری و توسعه اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد.

۴. به نظر می رسد بین تفکر نقادانه و توسعه اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد.

با توجه به این که تفکر نقادانه و توسعه اجتماعی متغیرهای رتبه ای می باشند از آزمون ضریب همبستگی اسپیرمن استفاده می شود.

جدول (۶): آزمون ضریب همبستگی اسپیرمن برای سنجش رابطه میان تفکر نقادانه و توسعه اجتماعی

| Correlations   |               |                         |       |               |
|----------------|---------------|-------------------------|-------|---------------|
|                |               | تفکر نقادانه            |       | توسعه اجتماعی |
| Spearman's rho | تفکر نقادانه  | Correlation Coefficient | 1.000 | .612          |
|                |               | Sig. (2-tailed)         | .     | .001          |
|                |               | N                       | 385   | 385           |
|                | توسعه اجتماعی | Correlation Coefficient | .612  | 1.000         |
|                |               | Sig. (2-tailed)         | .001  | .             |
|                |               | N                       | 385   | 385           |

با توجه به جدول ۶ میزان ضریب همبستگی میان متغیرهای تفکر نقادانه و توسعه اجتماعی برابر با ۰/۶۱۲ محاسبه شده است که این میزان نشانگر وجود رابطه ای نسبتاً قوی و مستقیم است. بدین معنی که با افزایش (یا کاهش) تفکر نقادانه میزان توسعه اجتماعی

افزایش (یا کاهش) می یابد. با توجه به سطح معناداری این رابطه که برابر با ۰/۰۰۱ است و کوچکتر از ۰/۰۵ محاسبه شده است بنابراین فرض صفر رد و فرضیه پژوهش تایید می شود. یعنی بین تفکر نقادانه و توسعه اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد.

۵. به نظر می رسد بین روابط بین فردی و توسعه اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد.

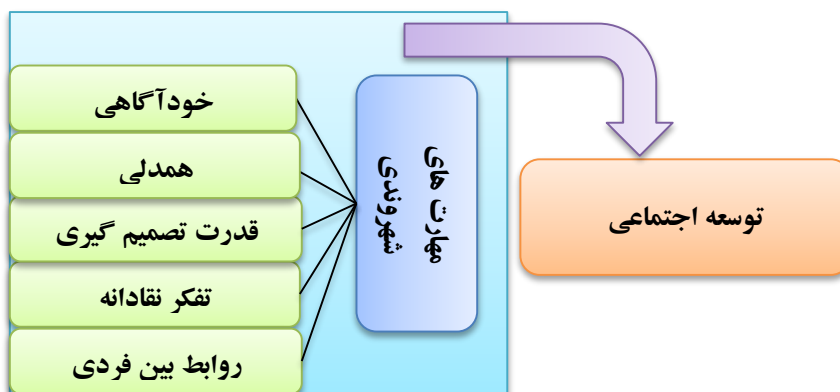
با توجه به این که روابط بین فردی و توسعه اجتماعی متغیرهای رتبه ای می باشند از آزمون ضریب همبستگی اسپیرمن استفاده می شود.

جدول (۷): آزمون ضریب همبستگی اسپیرمن برای سنجش رابطه میان روابط بین فردی و توسعه اجتماعی

| Correlations   |                |                         |               |       |
|----------------|----------------|-------------------------|---------------|-------|
|                |                | روابط بین فردی          | توسعه اجتماعی |       |
| Spearman's rho | روابط بین فردی | Correlation Coefficient | 1.000         |       |
|                |                | Sig. (2-tailed)         | .001          |       |
|                |                | N                       | 385           |       |
|                | توسعه اجتماعی  | Correlation Coefficient | .401          | 1.000 |
|                |                | Sig. (2-tailed)         | .001          | .     |
|                |                | N                       | 385           | 385   |

با توجه به جدول ۷ میزان ضریب همبستگی میان متغیرهای روابط بین فردی و توسعه اجتماعی برابر با ۰/۴۰۱ محاسبه شده است که این میزان نشانگر وجود رابطه ای نسبتاً قوی و مستقیم است. بدین معنی که با افزایش (یا کاهش) روابط بین فردی میزان توسعه اجتماعی افزایش (یا کاهش) می یابد. با توجه به سطح معناداری این رابطه که برابر با ۰/۰۰۱ است و کوچکتر از ۰/۰۵ محاسبه شده است بنابراین فرض صفر رد و فرضیه پژوهش تایید می شود. یعنی بین روابط بین فردی و توسعه اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد.

برآورد مدل پیش بینی (رگرسیون)



جدول (۸): متغیرهای وارد شده در مدل و روش برازش رگرسیونی

| مدل | متغیرهای وارد شده در مدل   | متغیرهای حذف شده | روش رگرسیونی |
|-----|--|------------------|--------------|
| ۱   | خودآگاهی<br>همدلی<br>قدرت تصمیم گیری<br>تفکر نقادانه<br>روابط بین فردی | --               | Enter        |

با توجه به جدول ۸ متغیرهای وارد شده در مدل که عبارتند از خودآگاهی، همدلی، قدرت تصمیم گیری، تفکر نقادانه، روابط بین فردی و توسعه اجتماعی و همچنین روش برازش مدل رگرسیونی (Enter) ارائه شده اند. در این روش همه متغیرها وارد مدل می

شوند و از تمامی اطلاعات وارد شده در تحلیل مدل استفاده می شود. به عبارت دیگر این روش همه رگرسیون های ممکن را در اختیار محقق می گذارد.

جدول (۹): ضریب تعیین برازش رگرسیونی

| مدل | ضریب همبستگی | ضریب تعیین | ضریب تعیین تعدیل شده | خطای استاندارد برآورد |
|-----|--------------|------------|----------------------|-----------------------|
| ۱   | ۰/۶۴         | ۰/۵۰۶      | ۰/۴۹۶                | ۰/۳۰۰۲۰۰۳             |

با توجه به جدول ۹ ضریب همبستگی متغیرهای خودآگاهی، همدلی، قدرت تصمیم گیری، تفکر نقادانه، روابط بین فردی و توسعه اجتماعی برابر ۰/۶۴ و مجذور آن یعنی ضریب تبیین برابر  $R^2 = 0/40$  و ضریب تبیین تعدیل شده نیز برابر  $\bar{R}^2 = 0/496$  می باشد. به عبارت دیگر در حالت تعدیل یافته ۰/۴۹۶ درصد از واریانس متغیر توسعه اجتماعی توسط متغیرهای خودآگاهی، همدلی، قدرت تصمیم گیری، تفکر نقادانه، روابط بین فردی و توسعه اجتماعی پیش بینی می شود.

جدول (۱۰): تحلیل واریانس برازش رگرسیونی

| مجموع مربعات | درجه آزادی | میانگین مربعات | F     | سطح معنی داری (۰/۰۵) |
|--------------|------------|----------------|-------|----------------------|
| ۳۱/۱۷۱       | ۵          | ۶/۲۳۴          | ۱۸۳/۳ | ۰/۰۰۰                |
| ۱۲/۹۷۷       | ۳۷۹        | ۰/۰۳۴          |       |                      |
| ۴۴/۱۴۸       | ۳۸۴        |                |       |                      |
| رگرسیون      |            |                |       |                      |
| باقیمانده    |            |                |       |                      |
| کل           |            |                |       |                      |

جدول ۱۱ تحلیل واریانس برازش رگرسیونی را نشان می دهد که در آن مجموع مربعات، میانگین مربعات، درجات آزادی، مقدار آماره F (۱۸۳/۳) و همچنین سطح معنی داری (۰/۰۰۰) نشان داده شده است. با توجه به اینکه مقدار سطح معنی داری کمتر از ۰/۰۵ بدست آمده است می توان معنی داری رگرسیون را استنتاج نمود.

جدول (۱۲): ضرایب مدل رگرسیون

| مدل             | ضرایب غیر استاندارد |                | t      | سطح معنی داری (۰/۰۵) |
|-----------------|---------------------|----------------|--------|----------------------|
|                 | B                   | خطای استاندارد |        |                      |
| (ثابت)          | ۳/۳۸۹               | ۰/۲۹۴          | ۱۱/۵۳۲ | ۰/۰۰۰                |
| خودآگاهی        | ۰/۴۴۱               | ۰/۰۶۲          | ۷/۱۲۹  | ۰/۰۰۰                |
| همدلی           | ۰/۱۸۸               | ۰/۰۷۶          | ۲/۴۸۴  | ۰/۰۱۴                |
| قدرت تصمیم گیری | ۰/۰۰۷               | ۰/۰۴۷          | ۰/۱۴۱  | ۰/۰۰۸                |
| تفکر نقادانه    | ۰/۵۶۲               | ۰/۰۵۱          | ۱۱/۰۷۹ | ۰/۰۰۰                |
| روابط بین فردی  | ۰/۲۲۲               | ۰/۰۵۷          | ۳/۸۷۴  | ۰/۰۰۰                |

جدول ۱۲ برآورد ضرایب مدل رگرسیونی را نشان می دهد. ضریب رگرسیون برای متغیر قدرت تصمیم گیری محیطی برابر ۰/۰۰۷، مقدار خطای استاندارد ۰/۰۴۷ و ضریب استاندارد برابر ۰/۱۸۳ بدست آمده است. با توجه به اینکه مقدار آماره t برابر ۰/۱۴۱ بدست آمده و سطح معنی داری (برابر ۰/۰۰۸) کمتر از ۰/۰۵ بدست آمده است می توان معنی داری ضریب متغیر قدرت تصمیم گیری و تاثیر آن بر متغیر توسعه اجتماعی را تایید کرد. برای سایر متغیرها نیز چنین نتیجه ای حاصل شده است. نتایج حاصله از تحلیل رگرسیونی متغیرهای موجود در معادله را می توان به صورت استاندارد شده در رابطه ریاضی ذیل نشان داد:

$$Y = \beta_1 X_1 + \beta_2 X_2 + \beta_3 X_3 + \beta_4 X_4 + \beta_5 X_5 + \varepsilon$$

به عبارت دیگر

(همدلی) ۰/۱۵۴ + (خودآگاهی) ۰/۳۶۶ = توسعه اجتماعی

+  $\varepsilon$  (روابط بین فردی) ۰/۲۸۰ + (تفکر نقادانه) ۰/۲۵۹ + (قدرت تصمیم گیری) ۰/۱۸۳ +

جدول (۱۳): ضرایب مدل رگرسیون به ترتیب تاثیر بر توسعه اجتماعی

| متغیر           | ضریب تاثیر |
|-----------------|------------|
| خودآگاهی        | ۰/۳۶۶      |
| روابط بین فردی  | ۰/۲۸۰      |
| تفکر نقادانه    | ۰/۲۵۹      |
| قدرت تصمیم گیری | ۰/۱۸۳      |
| همدلی           | ۰/۱۵۴      |

### نتیجه گیری

با توجه به میزان ضریب همبستگی میان متغیرهای خودآگاهی و توسعه اجتماعی که برابر با ۰/۴۷۳ محاسبه شده است، این میزان نشانگر وجود رابطه ای نسبتاً قوی و مستقیم است. بدین معنی که با افزایش (یا کاهش) خودآگاهی میزان توسعه اجتماعی افزایش (یا کاهش) می یابد. با توجه به سطح معناداری این رابطه که برابر با ۰/۰۰۴ است و کوچکتر از ۰/۰۵ محاسبه شده است بنابراین فرض صفر رد و فرضیه پژوهش تایید می شود. یعنی بین خودآگاهی و توسعه اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد. با توجه به میزان ضریب همبستگی میان متغیرهای همدلی و توسعه اجتماعی برابر با ۰/۵۴۷ محاسبه شده است، این میزان نشانگر وجود رابطه ای نسبتاً قوی و مستقیم است. بدین معنی که با افزایش (یا کاهش) همدلی میزان توسعه اجتماعی افزایش (یا کاهش) می یابد. با توجه به سطح معناداری این رابطه که برابر با ۰/۰۰۱ است و کوچکتر از ۰/۰۵ محاسبه شده است بنابراین فرض صفر رد و فرضیه پژوهش تایید می شود. یعنی بین همدلی و توسعه اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد. با توجه به میزان ضریب همبستگی میان متغیرهای قدرت تصمیم گیری و توسعه اجتماعی برابر با ۰/۳۲۷ محاسبه شده است، این میزان نشانگر وجود رابطه ای نسبتاً قوی و مستقیم است. بدین معنی که با افزایش (یا کاهش) قدرت تصمیم گیری میزان توسعه اجتماعی افزایش (یا کاهش) می یابد. با توجه به سطح معناداری این رابطه که برابر با ۰/۰۰۲ است و کوچکتر از ۰/۰۵ محاسبه شده است بنابراین فرض صفر رد و فرضیه پژوهش تایید می شود. یعنی بین قدرت تصمیم گیری و توسعه اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد. با توجه به میزان ضریب همبستگی میان متغیرهای تفکر نقادانه و توسعه اجتماعی برابر با ۰/۶۱۲ محاسبه شده است، این میزان نشانگر وجود رابطه ای نسبتاً قوی و مستقیم است. بدین معنی که با افزایش (یا کاهش) تفکر نقادانه میزان توسعه اجتماعی افزایش (یا کاهش) می یابد. با توجه به سطح معناداری این رابطه که برابر با ۰/۰۰۱ است و کوچکتر از ۰/۰۵ محاسبه شده است بنابراین فرض صفر رد و فرضیه پژوهش تایید می شود. یعنی بین تفکر نقادانه و توسعه اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد. با توجه به میزان ضریب همبستگی میان متغیرهای روابط بین فردی و توسعه اجتماعی برابر با ۰/۴۰۱ محاسبه شده است، این میزان نشانگر وجود رابطه ای نسبتاً قوی و مستقیم است. بدین معنی که با افزایش (یا کاهش) روابط بین فردی میزان توسعه اجتماعی افزایش (یا کاهش) می یابد. با توجه به سطح معناداری این رابطه که برابر با ۰/۰۰۱ است و کوچکتر از ۰/۰۵ محاسبه شده است بنابراین فرض صفر رد و فرضیه پژوهش تایید می شود. یعنی بین روابط بین فردی و توسعه اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد. با توجه به ضریب همبستگی متغیرهای خودآگاهی، همدلی، قدرت تصمیم گیری، تفکر نقادانه، روابط بین فردی و توسعه اجتماعی برابر  $R^2 = ۰/۴۰$  و ضریب تبیین تعدیل شده نیز برابر  $\bar{R}^2 = ۰/۴۹۶$  می باشد. به عبارت دیگر در حالت تعدیل یافته ۰/۴۹۶ درصد از واریانس متغیر توسعه اجتماعی توسط متغیرهای خودآگاهی، همدلی، قدرت تصمیم گیری، تفکر نقادانه، روابط بین فردی و توسعه اجتماعی پیش بینی می شود. نتایج حاصله از تحلیل رگرسیونی متغیرهای موجود در معادله را نشان می دهد که متغیرهای خودآگاهی، روابط بین فردی، تفکر نقادانه، قدرت تصمیم گیری و همدلی بیشترین تاثیر را بر ارتقای توسعه اجتماعی دارند.

۱. آبراهامز، جی. اچ (۱۳۶۳). مبانی و رشد جامعه‌شناسی، بی‌جا، چاپ اول.
۲. آقاجانی، طهمورث و دیگران (۱۳۹۳)، تاثیر بازی بر مهارت های اجتماعی، فصلنامه مطالعات توسعه اجتماعی ایران، سال ششم، شماره سوم، تابستان
۳. اباذری، یوسف، چاوشیان، حسن، (۱۳۸۱) از طبقه اجتماعی تا سبک زندگی، ص ۳۱/مقاله
۴. ابراهیمی لویه، عادل، (۱۳۸۵)، اعتماد اجتماعی، عوامل موثر بر آن در بین مردم شهر گرمسار، تهران، دانشگاه پیام نور، ص ۲۰/مقاله
۵. اردبیلی، هاله، (۱۳۸۰)، تغییر ارزشها و فراگر توسعه، پژوهشنامه اقتصادی ص ۲۴-۲۲/مقاله
۶. ازکیا، مصطفی (۱۳۶۵) جامعه‌شناسی توسعه و توسعه نیافتگی روستایی ایران، انتشارات اطلاعات، تهران
۷. اسپنسر، هربرت، (۱۹۸۱)، مطالعه در جامعه‌شناسی، نیویورک/کتاب
۸. اسکیدمور، ویلیام (۱۳۸۵). تفکر نظری در جامعه‌شناسی، جمعی از مترجمان، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، چاپ اول.
۹. امام‌جمعه‌زاده، جواد، محمدرضا رهبر قاضی، امید عیسی‌نژاد، زهره مرندی (۱۳۹۱). «بررسی رابطه میان احساس محرومیت نسبی و مشارکت سیاسی در میان دانشجویان دانشگاه اصفهان»، دوفصلنامه‌ی علمی پژوهشی دانش سیاسی، سال هشتم، شماره‌ی اول (شماره‌ی پیاپی ۷۵)، ص ۳۷-۶۸.
۱۰. پازوکی، مهدی (۱۳۵۵) تحقیق در رابطه با نظام حقوقی و توسعه، انتشارات مروارید، تهران
۱۱. پاکزاد، جهان‌شاه. ۱۳۸۵، راهنمای طراحی فضاهای شهری در ایران، شرکت طرح و نقش پیام سیما، تهران.
۱۲. پورجعفر، محمدرضا و همکاران. ۱۳۸۹، ارائه انگاره‌های محیطی مؤثر بر شکل‌گیری فضاهای عمومی مشوق سالمندی موفق با تأکید بر ترجیحات سالمندان شهر شیراز، مجله سالمندی ایران، سال پنجم، شماره پانزدهم.
۱۳. جیروند، عبدالله (۱۳۶۶) توسعه اقتصادی، انتشارات مولوی، تهران
۱۴. چلبی، مسعود (۱۳۸۹). جامعه‌شناسی نظم؛ تشریح و تحلیل نظری نظم اجتماعی، تهران: نشر نی، چاپ پنجم.
۱۵. دورکیم، امیل (۱۳۹۲) تقسیم کار اجتماعی، ترجمه باقر پرهام، نشر مرکز، تهران
۱۶. رضایی‌راد، هادی و رفیعیان، مجتبی. ۱۳۹۰، سنجش فضایی کیفیت مسکن در شهر سبزوار با استفاده از روش تحلیل عاملی، نشریه علمی - پژوهشی نامه‌ی معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر.
۱۷. ریشه، گئی (۱۳۷۶). جامعه‌شناسی تالکوت پارسونز، ترجمه‌ی عبدالحسین نیک‌گهر، مؤسسه‌ی فرهنگی انتشاراتی تبیان، چاپ اول.
۱۸. زیمل، جورج (۱۹۰۸)، جامعه‌شناسی بررسی‌هایی در باره صورت‌های اجتماع، نیویورک/کتاب
۱۹. سازمان برنامه و بودجه (۱۳۶۴) فصلنامه برنامه و توسعه دوره (۱) شماره (۲)
۲۰. عبداللهی، مجید. ۱۳۸۷، تحلیل مفهوم شهروندی و ارزیابی جایگاه آن در قوانین، مقررات کشور، مجله پژوهش‌های جغرافیایی، شماره ۳۳.
۲۱. غفاری، غلامرضا، میثم نوایی (۱۳۸۸). «تبیین گستره و شعاع اعتماد اجتماعی در شهر کاشان»، دانشنامه‌ی علوم اجتماعی، دوره ۱، شماره ۲.
۲۲. فاطمی‌نیا، سیاوش، سیامک حیدری (۱۳۸۹). «عوامل مرتبط با تعهد شهروندی»، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال دهم، شماره ۳۸.
۲۳. فتحی، سروش و مختاریپور، مهدی، (۱۳۹۰)، توسعه شهری، شهرنشینی و حقوق شهروندی، فصلنامه مطالعات توسعه اجتماعی ایران، سال سوم، شماره چهارم، پاییز
۲۴. قربانی، رسول و جام‌کسری، محمد. ۱۳۸۹، جنبش پیاده‌گستری، رویکردی نو در احیاء مراکز شهری؛ مورد مطالعه پیاده‌راه تربیت‌تبریز، مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای، شماره ۶.
۲۵. کرایب، یان (۱۳۸۵). نظریه اجتماعی مدرن: از پارسونز تا هابرماس، ترجمه عباس مخبر، تهران: انتشارات آگاه، چاپ سوم.
۲۶. لطف‌آبادی، حسین‌نوروزی، وحیده، (۱۳۸۳) بررسی چگونگی نگرش دانش‌آموزان دبیرستانی ایران به جهانی شدن و تاثیر آن بر ارزشها و هویت دینی و ملی آنان، نوآوریهای آموزشی ص ۴/مقاله
۲۷. له‌مان، جنیفر (۱۳۸۵). ساخت‌شکنی دورکیم (نقدی پسا پسا ساختارگرایانه)، ترجمه‌ی شهناز مسمی‌پرست، تهران: نشر نی، چاپ اول.
۲۸. لینچ، کوین. ۱۳۸۱، تئوری شکل شهر، ترجمه سید حسین بحرینی، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
۲۹. محسنی، منوچهر (۱۳۷۴) مقدمات جامعه‌شناسی، تهران، چاپ دوازدهم
۳۰. محسنی‌تبریزی، علیرضا (۱۳۸۳). «سنجش میزان فانتالیسم و رابطه‌ی آن با احساس کارآمدی و احساس بی‌قدرتی سیاسی در بین زنان بالغ مناطق شهری کشور»، نامه‌ی پژوهش فرهنگی، سال هشتم، شماره ۹.
۳۱. مدنی پور، علی. ۱۳۷۹، طراحی فضای شهری، نگرشی بر فرآیندی اجتماعی و مکانی. شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری.
۳۲. مرتن، رابرت (۱۳۸۵). مشکلات اجتماعی و نظریه جامعه‌شناختی، ترجمه نوین تولایی، تهران: انتشارات امیرکبیر، چاپ دوم.
۳۳. موسوی، میرطاهر (۱۳۹۱). درآمدی بر مشارکت اجتماعی، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان، چاپ اول.



۳۴. مولایی، اصغر. ۱۳۹۰، ضرورت تمرین عملی آموزه های شهروندی، بعنوان مکمل آموزش های نظری شهروندی، کتاب سمینار رسانه و آموزش شهروندی اصل مقالات، شهرداری تهران.

۳۵. نواح، عبدالرضا، مجتبی تقوی نسب (۱۳۸۶). «تأثیر احساس محرومیت نسبی بر هویت قومی و هویت ملی؛ مورد مطالعه: اعراب استان خوزستان»، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره‌ی هشتم، شماره ۲، صص ۱۴۲-۱۶۳.

۳۶. وینچ، پیتر (۱۳۷۲) ایده علم اجتماعی، ترجمه گروه نویسندگان، انتشارات سمت، تهران

37. Edinea alcantara, Fatima furtado, circe monteiro (2012); solidarity and mutual assistance in low-income communities: every practices to overcome scarcity and improve quality of life, Recife, brazil, social and behavioral sciences, 35, pp. 344- 352
38. Fierbeck, K. (1991) "Redefining Responsibilities: The Politics of Citizenship in the UK", Canadian Journal of Political Science, Vol.24: 578- 83.
39. Gehl, Jan (1987); life Between Building: Using Public Space, New York: Van nor strand Reinhold.
40. Habermas, J.(1992) "Citizenship and National Identity : Some Reflection on the Future of the Europe " , Praxis International,.Vol.12: 1-19
41. Health and Education Policy from 1981-2009, Journal of Sociology & Social Welfare, September 2014, Volume XLI, Number 3
42. Jacobs, Jane (1961); The Death and Life Great American Cities, The Failure of Town Planning, New York: Vintage.
43. Mohammadzaheh, Rahmat, (2005); Modernity and Urbanism; Case Study of Tabriz Fabric Texture, PhD Theses, Jamali Firooz, Tabriz University, Geography & Urban Planning Group.
44. Qarakhani, M (2014) Social Policy and State Capacity in Iran:
45. Van Kamp (2003), Irene and et al; Urban environmental quality and human well-being toward a conceptual framework and demarcation of concepts: a literature study; Landscape and Urban Planning 65, pp. 5-18.